

فرد، سازمان، جماعت

هر مرد و زنی به طور مستقیم از دو طریق با جامعه پیوند می خورد. از یک طرف عضو خانواده، سازمان صنفی یا سندیکایی، طبقاتی یا حزبی و یا مذهبی و دینی است و از طرف دیگر می تواند عضوی از جماعت* باشد. سازمان های سندیکایی، حزبی یا مذهبی از تجانس فکری و اخلاقی اعضا خود شکل می گیرند؛ اما جماعت، توده ای ناسازگاری است که هدف و آرمان یگانه ای را تعقیب نمی کند و به اعمال نابخردانه و نسنجیده دست می زند. افراد ناسازگار گرد آمده در یک جماعت نیروی برهان جویی و دلیل طلبی خود را از دست می دهند و از توانایی تشخیص درست از نادرست، محروم می شوند. در اینان، اطاعت کورکورانه و دنباله روی از گفتار و اعمال رهبران، چنان اوج می گیرد که تفکر و قضاوت مستقل و آزادشان را سلب می کند و آنان را به توده یا گله ای خاکستری مبدل می سازد. در این شرایط انبره ناسازگار گرد آمده در یک جماعت، احساس وظیفه ی فردی و جمعی خود را از دست می دهد و به توده ای با احساسات لجام گسیخته، وحشتزده، خشمگین و مستعد خشونت تبدیل می شود. به بیان دیگر، فرد در درون جماعت مانند کسی است که ماده ی سکرآور زیادی را نوشیده و از شخصیت خود جدا افتاده است. او قربانی بلایی است که من آن را «مسمومیت ناشی از گله وارگی» می نامم. این سم مانند الکل از تاثیرات جدی و تخدیرکننده برخوردار است. جماعت شخصیت مستقل، متفکر و آزاد فرد را تخدیر می کند، او را از وظیفه، اندیشه و معنویت باز می دارد و به سمت نوعی هیجان و اعمال تند و نابهنجار سوق می دهد.

برای نمونه مطالعه، یک فعالیت فردی آگاهانه و آزادانه است، نویسنده با شخص یا اشخاصی سخن می گوید در حالی که با خود خلوت کرده و در شرایط بهنجار آماده مطالعه و تعقل است.

فعالیت صنفی - سندیکایی یا حزبی - طبقاتی واقعی، نیز نوعی فعالیت جمعی است که در آن فرد از شخصیت متفکر، آزاد و آگاهانه خود دور نمی شود. بلکه می آموزد که با حفظ این

* جماعت، ترجمه ی واژه ی انگلیسی Crowded است و همان طور که در متن مقاله دیده می شود به گروه هایی اطلاق می شود که اجتماعی، حزبی یا صنفی ندارند.

ویژگی‌ها، آگاهانه در یک اقدام جمعی مشارکت کند و به سود حل یک مسأله‌ی معین گام بردارد. افرادی که در یک سندیکا یا حزب و یا فعالیت‌های آگاهانه‌ی دیگر اجتماعی و جمعی گرد هم می‌آیند، با آرامش و اندیشه به سخنران گوش می‌سپارند و فارغ از احساسات و عاطفه‌ی زودگذر، محتوای آن را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهند و پس از نقد واقع‌بینانه‌ی آن، حول برنامه‌ی عملی واحدی گرد می‌آیند. اما در یک جماعت، «هوچی» با سواستفاده از «مسمومیت گله‌وارگی» توده‌ی ناسازمند، آنان را به انجام اعمالی وا می‌دارد که در آن نفع خود و نه جمع مطرح است.

برخلاف فضای مسموم حاکم بر جماعت، اعضای سازمان‌های سازمند، پویانده و جوینده‌ی برهان و حقیقت‌اند. آنان برای پذیرش یا رد هر اندیشه یا نظری، آزمون آن را می‌طلبند. اینان در برابر افکار سفسطه‌آمیز و تناقض میان گفته‌ها و اعمال، لب بر سخن نمی‌بندند و زبان به اعتراض می‌گشایند. اینان ساده کردن گمراه‌کننده‌ی مسایل بفرنج را گناه کبیره‌ی ذهن تلقی می‌کنند و از شعارگرایی و کلی‌گویی و کلی‌بافی می‌پرهیزند. اینان از آرایه‌ی قاعده‌ای بدون استثنا و تعمیم جز به کل، آن هم به استثنا یک یا دو نمونه که شیوه و ترفند هوچی‌گران است، روی برمی‌تابند و آن را به سخره می‌گیرند.

فلسفه به ما می‌آموزد که درباره‌ی «حتا» آنچه بدیهی می‌پنداریم، تردید کنیم، اما هوچی‌گران که از توده‌ی ناسازمند و مسموم خود می‌خواهند که درباره‌ی آنچه دلایل جدی برای عدم پذیرش و یا دست کم، تردید درباره‌ی آن وجود دارد، نیندیشند و آن را بدیهی و روشن و قطعی بپندارند. این هوچی‌گران، جزم‌اندیشان ثابت‌قدمی هستند. تنها از مسایل قطعی و بدون قید و شرط سخن می‌گویند. در تابلویی که اینان از چهره‌ی جهان ترسیم می‌کنند، رنگ خاکستری جایی ندارد. همه چیز یا مانند قلب شیطان سیاه و پلشت یا همچون دل آسمان روشن و پاک و منزّه است. اینان هرگز اشتباه نمی‌کنند و در سخنان دیگران، حتا بارقه‌ای از حقیقت را نمی‌یابند. از منظر اینان، با مخالفان، نباید مباحثه کرد و سخنی از آنان شنید. تنها باید مورد تهاجمشان قرار داد، صدایشان را در گلو خفه کرد و اگر بیش از اندازه مایه‌ی دردسرنده، جانشان را گرفت.

خردمندی و فراست و ویژگی انسان‌هایی است که آزادانه و آگاهانه در سازمان‌های سازمند گرد هم می‌آیند و دست به اقدام می‌زنند و در هرگام نظر و عمل خود را با آزمون تجربه می‌سنجند و سره را از ناسره باز می‌جویند و از آن توشه‌ی فردا را فراهم می‌آورند حتا درون این سازمان‌ها نیز، انسان‌ها مرتکب اشتباه و حماقت می‌شوند، اما آن اندیشه‌گریزی غیرانسانی که در گستره‌ی آن هوچی عوامفرب، دام خود را می‌گسترده و آن تنزل دهشتبار اخلاقی که برزمینه‌ی آن، چوپان گله، قربانیش را به عمل دلخواه خویشان وا می‌دارد، از ویژگی‌های زن و

مرد عضو گروه اندیشه گرا، سازمند و هدفمند نیست. این‌ها ویژگی‌های فردی است در جماعت اندیشه‌گریز ناسازمند، و بی‌هدف. تقلید و دنباله‌روی محض و نیز ارتکاب اعمال خشن و جنون‌آمیز، جلوه‌ای از ویژگی‌های انسانی نیست، بلکه نشانه‌ای است از «مسمومیت ناشی از گله‌وارگی». در مذاهب رسمی جهان نیز، رستگاری و دانایی را در اذهان گروه‌های اندیشه‌گرا سازمند و هدفمند می‌توان یافت نه در اعمال دور از اندیشه‌ی توده‌ی ناسازمند گردآمده‌ی در یک جماعت.

در عصر افزایش سرسام آور جمعیت جهان، در عصر رشد بی‌سابقه موسسه‌های غول‌پیکر و گسترش اعجاب‌انگیز رسانه‌های ارتباط جمعی، چگونه می‌توانیم از حیثیت، حرمت و ارزش اندیشه‌های انسانی سخن بگوییم. این پرسشی است که هنوز می‌توان طرح کرد، به‌طور جدی به آن پاسخ داد و در جهت نیل به آن، راهکارهایی را ارایه و تدوین کرد. اگر این مهم امروز صورت نگیرد، فردا، در شرایط افزایش خردکننده‌ی جماعت‌ها، حتا طرح این پرسش نیز ناممکن خواهد بود.

داروهای مسکن و مرگ هزاران تن در سال

گروه شهری: براساس یک پژوهش جدید بعضی از داروهای مسکن که بسیاری از مردم در دوره‌های طولانی آن‌ها را مصرف می‌کنند هر سال موجب مرگ هزاران تن می‌شود. به گزارش رادیو بی. بی. سی با این که پزشکان همواره از اثرهای جنبی خطرناک این داروها آگاه بودند، اما این اولین بار است که در این زمینه بررسی وسیعی در آمریکا و بریتانیا انجام گرفته است. داروهای ضد تورم غیر استروئیدی که آسپرین و ایبوپروفن از جمله پرمصرف‌ترین آن‌هاست، معمولا برای تسکین درد آرتروز، درد کمر و درد مفاصل تجویز می‌شود. تنها در آمریکا و بریتانیا پزشکان در سال بیش از صد میلیون نسخه برای مصرف این نوع داروها به بیماران می‌دهند. البته پزشکان همواره از اثرهای جنبی زیان‌آور این داروهای مسکن درد آگاه بوده‌اند. در مواردی این داروها به جدار معده آسیب وارد می‌کند و موجب بروز زخم و خونریزی می‌شود و گاهی این عوارض می‌تواند به اندازه‌ای شدت پیدا کند که به مرگ بیمار منجر شود. در مورد یک میلیون و دویست هزار نفری که داروهای مسکن درد را به‌علت ناراحتی‌های مزمن در دوره‌های طولانی مصرف می‌کرده‌اند، بررسی‌های انجام گرفته معلوم شده است که اثرهای جنبی این داروها موجب مرگ حدود هشت درصد آن‌ها شده است. دکتر اندرو مور از کلینیک دردهای مزمن آکسفورد در انگلستان که در این بررسی و تهیه گزارش آن مشارکت داشته است می‌گوید: البته به بیماران توصیه نمی‌شود که مصرف این داروها را به‌طور کلی قطع کنند ولی اگر دچار اثرهای جنبی نامطلوب آن‌ها شده‌اند بهتر است از داروهای مسکن درد و ضد تورم دیگری مثل پاراسیته مول یا کرم‌ها و ژل‌های ضد درد و تورم استفاده کنند.

همشهری - پنج‌شنبه ۱۱ فروردین ۱۳۷۹